

فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال دوم، شماره پنجم، بهار ۹۵، صفحات ۱۰۳-۱۳۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۳/۱۸

علل جامعه‌شناختی سیاسی نایمنی غذایی در آمریکا و چین

ایوب امیرکواسمی^۱

چکیده

در هزاره سوم وجود نایمنی غذایی قابل تأمل است. تلاش‌های اداری و قضایی در جهت سالم‌سازی مواد غذایی نتوانست تقلب در این عرصه را پایان دهد. بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح کرد که چه عواملی می‌تواند با ایمن‌سازی مقابله نماید؟ در پاسخ می‌توان به صراحت گفت ایمنی غذایی یک مسئله‌ی امنیتی است؛ لذا یگانه مسئول آن حاکمیت سیاسی خواهد بود. از این رو بروز حوادث نایمنی غذایی سریعاً ذهن انسان را متوجه قدرت سیاسی می‌کند. لذا در این مقاله استدلال می‌شود که فرایند سیاست‌گذاری و اجرای آن تحت نفوذ افراد ذینفع در حوزه‌ی صنعت غذا قرار دارد. نگارنده در توجیه ادعای خود از روش استدلالی بهره خواهد گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که عامل در نایمنی غذایی در رژیم‌های اقتدارگرا نظیر چین نیروهای امنیتی و وابستگان نظام هستند و در دمکراسی‌ها همانند آمریکا عامل نایمنی غذایی «لابی» می‌باشد.

کلید واژه‌ها: امنیت غذایی، ایمنی غذای، پیوند سیاسی، لابی، پولیت برو.

مقدمه

پژوهش‌های موجود بیانگر این واقعیت است که امن‌ترین کشور از نظر ایمنی غذایی در جهان، ایالات متحده آمریکا است (Micheal, 2004:1-10). با این وجود گزارش‌ها حاکی از آن است که سالیانه در آمریکا، ۷۶ میلیون نفر دچار بیماری‌های ناشی از مواد غذایی می‌شوند که ۳۲۵۰۰۰ نفر از آن‌ها در بیمارستان‌ها بستری می‌شوند که علت آن مواد غذایی آلوده است و از بین آن‌ها، ۵۰۰۰ نفر جان خود را از دست می‌دهند (Ibid). ایفلند^۱ تحقیقی در حوزه‌ی نقش پالایش مواد اولیه غذا انجام داده و آن را به عنوان یک مسئله‌ی عمده در تهدید سلامتی انسان بر جسته نموده است. نتایج این پژوهش نشان داده که روند موجود در آینده نه چندان دور به عنوان معضل سلامتی، شهروندان آمریکا را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. برخی از مراکز پژوهشگری و صاحب نظران، این موضوع را به عنوان یک مسئله حیاتی مورد توجه قرار دادند و پیامدهای آن را بررسی نمودند: به عنوان مثال، پژوهشگری در تحقیقی حساسیت افرادی را که می‌توانند بیشتر تحت تاثیر مواد غذایی نایمن قرار گیرند؛ بر جسته کرده که نتایج آماری آن را می‌توان در جدول ذیل مشاهده کرد:

جدول ۱: جمعیت حساس نسبت به بیماری‌های برگرفته از غذای نایمن

تعداد افراد	گروه‌های حساس
۲۹۴۰۰۰۰	مسن
۵۶۵۷۹۰۰	زنان باردار
۴۰۰۲۰۰۰	نوزادان
۲۴۱۱۰۰۰	بیماران مبتلا به سرطان

1 - Ifland

تعداد افراد	گروه‌های حساس
۱۵۵۳۰۰۰	ساکنان خانه سالمندان
۱۱۰۳۷۰	بیماران پیوند عضو
۱۳۵۰۰۰	بیماران مبتلا به ایدز

Source: USDA Economic Research Service 1993, Cited: Stephen R. Crutchfield, 1995, p. 142

حال اگر در امن‌ترین کشور، اوضاع از این قرار باشد؛ می‌توان وضعیت کشورهای موجود در جهان را اسفبار تخمین زد. مطالعات نشان می‌دهد که در چین قوانینی که در خصوص ایمنی غذایی وضع شده است؛ مربوط به سال‌های ۱۹۶۵ می‌باشد که در مورد بهداشت رستوران‌ها و آب شرب بود که هنوز هم آن دو، چندان ایمن نیستند (Feng, 2013: 4). شیر آلوده^۱، شیر خشک نایمن بچه‌ها^۲، تخم‌مرغ‌های که تاریخ مصرف آن‌ها گذشته^۳، استفاده از تخم‌مرغ‌های مصنوعی^۴، روغن پخت و پز شده بازیافتی^۵.. در هزاره سوم شهروندان چینی را عذاب می‌دهد (Ibid). پژوهش‌های میدانی در شهر گوانژو^۶ واقع در شمال چین نشان می‌دهد که ۴۶ درصد از ساکنان، از مواد غذایی نایمن ناراضی هستند و ۳۷ درصد نیز از تبعات نایمنی غذایی رنج می‌برند (Ibid).

در سال‌های اخیر، چین به لحاظ رشد اقتصادی، در صادرات مواد غذایی برای جلب مشتری‌های خارجی در تلاش است که ایمنی غذایی را از طریق وضع قوانین

1 - Contaminated Milk
 2 - Unsafe Baby Hormula
 3 - Overdue Eggs Products
 4 - Artificial Eggs
 5 - Recycled Cooking Oile
 6 - Guangzhou

جدید بهینه سازد. ولی از داده‌های موجود چنین بر می‌آید که فقط مصرف‌کننده خارجی از آن بهره‌مند خواهد شد نه اینکه شهروندان چینی. بنابراین، برخی محققین آن را به عنوان مسئله مطرح نمودند و در جهت علت یابی آن تلاش کردند؛ چنانچه فننگ^۱ در مطالعات خود ناایمنی غذایی در چین را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته که دو عامل عمده در ناایمنی غذایی نقش اساسی ایفا می‌کنند که یکی از آنها رشد اقتصادی و دیگری نبود قوانین مدون کارآمد است (Ibid).

حال پرسش این است که چرا حاکمیت‌های سیاسی در مورد ایمنی غذایی چندان سخت‌گیر و جدی عمل نمی‌کنند؟ پاسخ به سؤال مطرح‌شده را بر این فرضیه بنا می‌نهم که قوانین و مقررات صنایع غذایی و ایمنی آن تحت تأثیر عوامل نفوذی شکل می‌گیرند. از این رو علل آن با توسل به علم جامعه‌شناسی سیاسی قابل تحلیل است و نحوه مقابله با آن صدور مجوز برای گروه‌های مردم نهاد در حوزه کنترل ناایمنی غذایی می‌باشد. لذا، هدف این نوشتار شناخت چگونگی فرایند تأثیرگذاری عامل نفوذی در شکل‌گیری قوانین و مقررات ایمنی غذایی هست و مطالعات، دو کشور ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین را پوشش خواهد داد که نمودهای عینی از دو نظام فردگرا و جمع‌گرا می‌باشند.^۲ ضمناً شایان توجه است که موضوع نوشتار موجود مقایسه‌ای است و از این باب پیشینه‌ی تحقیق وجود ندارد. به همین منظور ابتدا مفاهیم عمده مقاله تعریف و تشریح می‌شود و سپس فرضیه‌ی مطرح‌شده با روش تحلیلی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

1 - Fang

۲ - بعد از این به جای ایالات متحده آمریکا، صرفاً از آمریکا و جمهوری خلق چین فقط از نام چین استفاده خواهد شد.

تعاریف و تشریح مفاهیم

در مباحث مواد غذایی به لحاظ جلوگیری از خلط دو موضوع جداگانه‌ی امنیت غذایی و ایمنی غذایی، لازم است که هر دوی آنها تعریف و تشریح شوند تا تفاوت‌های آن دو مشخص گردد. بنابراین، نخست امنیت غذایی را تعریف و تشریح می‌کنیم:

امنیت غذایی^۱ از جوانب مختلفی قابل بررسی است: از این رو در تعریف و تشریح آن برجسته کردن جنبه‌هایی از آن ضروری می‌باشد. چنانچه تأمین و نگهداری مواد غذایی یکی از حوزه‌های حساس امنیت غذایی است؛ چون اگر تولید، نگهداری و حفاظت نشود؛ مقوله‌ای به نام امنیت مفهومی نخواهد داشت که شاید علل وجودی سازمان جهانی خوار بار و غذا^۲ به خاطر امنیت قیدشده توجیه پذیر باشد. در عصری که سر نوشت بشریت به گونه روزافزون در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی... و غیره با یکدیگر گره می‌خورد؛ می‌طلبد که امنیت غذایی مطرح شده در ابعاد جهانی و به وسیله سازمان‌های بین‌المللی رقم خورد؛ چون مقابله با پیامدهای اسف بار خشک‌سالی، قحطی، حملات خرابکاری و امثالهم صرفاً با عزم و اراده‌ی جهانی امکان‌پذیر است (FAO/WHO, 2010: 1-23). لذا حوزه تأمین و نگهداری مواد غذایی با روند فزاینده اهمیت می‌یابد. بر خی از دولت‌ها، استراتژی خاصی در جهت تأمین امنیت غذایی اتخاذ نموده‌اند. به عنوان مثال، برزیل با اتخاذ تدابیری مصمم است که به گرسنگی در این کشور پایان دهد و جهت تحقق آن از استراژی گرسنگی صفر^۳

1 - Food Security

2 - FAO: Food and Agriculture Organization

3 - Zero Hungry

مدد می‌جوید و به همین منظور به شیوه‌های ذیل متوسل می‌شود (Leao, 2012: 10):

- ۱- استفاده از کمک‌های سازمان ملل متحد در راستای برخورداری از غذای کافی.
- ۲- به‌کارگیری برنامه جهانی غذا.
- ۳- پذیرش اصل حاکمیت مردم و منطبق با نظام بین‌المللی.
- ۴- اعمال برنامه‌ها و تجربیات کمیته سازمان خواربار جهانی و اصلاحات در جهت تامین امنیت غذایی.
- ۵- ایجاد شورای ملی غذا و امنیت غذایی.
- ۶- همکاری‌های بین‌المللی در راستای تأمین غذا و امنیت غذایی.
- ۷- توسل به تجربه کشورهای دیگر.

با این وجود، امنیت غذایی از سوی متغیرهای چون بحران‌های جهانی اقتصاد، بلایای طبیعی، جنگ‌ها و خرابکاری‌ها، تنش‌های ملی و بین‌المللی و تغییرات اقلیمی تهدید می‌شود که در یک تعریف جامع از امنیت غذایی بایستی (Ecker, 2012: 1-14). موارد مطرح شده لحاظ شود. از این رو، امنیت غذایی یعنی تأمین و حفاظت از مواد غذایی در قبال موارد ذکر شده می‌باشد (Ibid).

با این اوصاف، جامعه‌شناسان از جوانب انسانی بر روی امنیت غذایی تأکید می‌ورزند و به تبع آن در تعریف امنیت غذایی دستیابی خانوارها و افراد به مواد غذایی را بر جسته می‌کنند و بر اساس آن امنیت غذایی را چنین تعریف می‌نمایند: دسترسی همه اعضای خانوارها و آحاد جوامع در همه اوقات به غذای کافی که بتواند

فعالیت‌های آن‌ها را تأمین نماید که این تعریف در اجلاس سران جهانی غذا (۱۹۹۶) مورد پذیرش سازمان بهداشت جهانی قرار گرفته است (WHO: Food Security). با این وضع برای تحقق تعریف ذکرشده بایستی افراد جامعه درآمد کافی برای تهیه غذا داشته باشند و نظارت برای تولید، توزیع و واردات محصولات کشاورزی و مواد غذایی مستمر باشد و ناظرین پیوسته از دانش غذایی روز آگاهی داشته باشند و قیمت مواد غذایی به گونه تنظیم شود که همه به توانند از آن‌ها بهره‌مند شوند و برای حصول اطمینان در این که امنیت غذایی مشکلی ندارد؛ پیوسته از طریق مقیاس‌های ذیل وضعیت خانوارها مورد سنجش قرار گیرد (Swindale, 2006: 14495-14525)

- ۱- مقیاس ناامنی دسترسی خانوار به مواد غذایی^۱: اندازه‌گیری پیوستاری در خصوص دسترسی به غذا در طول یک ماه.
- ۲- مقیاس تنوع رژیم غذایی خانوار^۲: مطالعه در تنوع غذایی در طول مصرف یک دوره ۲۴ ساعته و ۴۸ ساعته و هفت روزه .
- ۳- مقیاس گرسنگی خانوار^۳: از طریق اندازه‌گیری تجربه‌های محرومیت غذایی بر اساس مجموعه‌ای از واکنش‌های قابل پیش‌بینی.
- ۴- فهرست شیوه‌های مقابله^۴: ارزیابی رفتار خانواده در قبال چگونگی کنار آمدن با کمبودهای غذایی.

1 - HFIAS: Household Food Insecurity Access Scale

2 - HDDS :Household Dietary Diversity Scale

3 - HHS: :Household Hanger Scale

4 - CSI:Coping Strategies Index

با این وجود، امروزه اگرچه خیلی از کشورها توانستند؛ امنیت غذایی را تا حدودی حل و فصل کنند ولی ایمنی غذایی در این قبیل کشورها هنوز هم تأمین نشده است. با این یادآوری که امنیت غذایی و ایمنی غذایی دو مقوله مجزا از هم نیستند بلکه همانند دو روی یک سکه می‌مانند. با این تفاوت که در ممالکی که امنیت غذایی نباشد؛ توجه به ایمنی غذایی چندان قابل تصور نیست؛ چرا که گرسنگان حق انتخاب ندارند. بنابراین، ایمنی غذایی در جوامعی می‌تواند قابل طرح باشد که در باب امنیت غذایی مشکلی نباشد. با این وصف، گزارش‌های رسوایی غذایی که در سال ۲۰۱۳ روی داده است؛ حکایت از آن دارد که اکثر آن‌ها در کشورهایی اتفاق افتاده است که عمدتاً مشکل امنیت غذایی ندارند که در ذیل ابتدا گزارش‌ها یادآوری می‌شوند و بعداً با یک رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی علل آن بررسی خواهد شد:

۱- ژانویه ۲۰۱۳ در بریتانیا یک شرکت معروف فرآورده‌های گوشتی از مخلوط گوشت اسب و گاو، همبرگر تولید می‌کرد و به نام تجاری خود در سوپرمارکت‌های معروف سیلور کریست^۱ در ایرلند و در دالپاک هامبلتون^۲ یورک شایر^۳ در شمال انگلستان به فروش می‌رساند (The Guardian Feb, 2013: 15).

۲- فوریه ۲۰۱۳ در ۲۰۰ مزرعه ایی در آلمان به ظاهر تخم‌مرغ ارگانیک تولید می‌کردند که در اصل تخم‌مرغ‌های غیر ارگانیک بودند و بدون مارک در اختیار خریداران قرار می‌دادند (A. France Presse, 2013).

1 - Silvercrest

2 - Dalepak Hambelton

3 - Yorkshire

۳- مارس ۲۰۱۳ بسته‌های کیک ۱۸۰۰ گرمی که از بادام، کره، شکلات، شکر زرد و عصاره ذرت ساخته شده بود و مارک Almandy سوئدی داشت از سوی مقامات چینی به دلیل وجود باکتری‌های خطرناک، در فروشگاه IKEA شانگهای کشف شد و به دستور سازمان غذا و دارو امحا نمودند (Hansegard, 2013).

۴- در مارس ۲۰۱۳ یک سبزی فروش در غرب آلمان متوجه دانه‌های کوچک آبی رنگ در روی برگ‌های کاهو شد و موضوع به اطلاع سازمان ذیربط رسید که بعد از آزمایش معلوم شد که سموم موش است (The Local., Germany's (News in English, 2013).

۵- در فوریه و مارس ۲۰۱۳ یک شبکه جنایت‌کار چینی به بازارهای شانگهای و جی‌انگ سو، معادل یک میلیون دلار مواد غذایی که از گوشت پستانداران کوچک، موش و سمور بود به نام فرآورده‌های گوشت گوسفند فروختند (Michael, 2013).

۶- در ماه مه ۲۰۱۳ در مدرسه لستر و سپس در نوزده مدرسه دیگر انگلستان، برگ‌بره تحت عنوان گوشت حلال به فروش رسید که بعدها از طریق آزمایش DNA ثابت شد که گوشت خوک بود (The Guardian, 2013).

۷- در ژوئیه ۲۰۱۳ ایالت بیهار هند شاهد مسمومیت غذایی بود که در نتیجه‌ی آن ۲۳ دانش‌آموز جان خود را از دست دادند (BBC News India, 20).

۸- در اکتبر ۲۰۱۳ تایوان با یک رسوایی غذایی مواجه شد (BBC News, 2013).

همان طوری که در مباحث بالا مشاهده می‌شود؛ امنیت غذایی زمانی کارآمد است که سلامتی انسان را تهدید نکند. به همین خاطر، ایمنی غذایی جنبه دیگری از امنیت غذایی را پوشش می‌دهد که در آن تلاش بدین منظور صورت می‌گیرد که جلوی مدیریت ناکارآمد در خصوص حفظ تولید، توزیع، آلودگی مواد غذایی به سموم، فساد غذایی و عرضه تولیدات غذایی غیر ارگانیک گرفته شود. ضمناً شایان توجه است که ایمنی غذایی صرفاً بدین معنا نیست که آن الزاماً از سوی تولیدکنندگان رعایت شود؛ چراکه در بسیاری از موارد، مواد غذایی سالم در اختیار خانواده‌ها قرار گرفته ولی به لحاظ عدم آگاهی از نحوه استفاده و یا نگهداری، غذا ناایمن شده است. بهداشت جهانی در سالم نگه داشتن مواد غذایی بر روی پنج نکته تأکید می‌ورزد (WHO|Food Safety):

- ۱- پاکیزگی: یعنی مواد خریداری شده را بایستی با اصول بهداشتی تمیز کرد.
 - ۲- رعایت اصل جدا نگه داشتن مواد غذایی: زیرا امکان دارد که فعل و انفعالات مخرب غذایی صورت گیرد.
 - ۳- پخت و پز: اگر بر اساس اصول نوین پخت نشود؛ یک رشته مسایلی ناشی از عدم پخت و پز صحیح، ایمنی غذایی را به مخاطره می‌اندازد.
 - ۴- سرما: در چه فصلی و با چه درجه‌ای باید غذا نگهداری شود که ایمن بماند.
 - ۵- آب و مواد خام سالم.
- علاوه بر این، ایمنی غذایی از جوانب دیگری نیز تهدید می‌شود که اختیار آن در

دست مصرف‌کننده نیست که به موجب آن می‌طلبد یک تعریف جامع از آن ارائه شود؛ شاید به همین منظور نستل^۱ ایمنی غذایی را با تأکید به نسبی بودن آن چنین تعریف می‌کند: غذا ممکن است برای برخی ایمن و برای عده‌ای دیگر نایمن باشد و یا استفاده از آن در سطحی ایمن و در سطوح دیگر نایمن و یا در یک زمان و مکان ایمن و در یک زمان و مکان دیگر نایمن باشد؛ بنابراین غذا زمانی ایمن است که خطری برای سلامتی انسان نداشته باشد (Nestle, 2010: 16). با این وجود تولید غذا، حاصل یک فرایند پیچیده است که می‌توان آن را به سه مرحله کلان تقسیم کرد:

۱- مرحله‌ی تولید مواد اولیه که در آن نکات ایمنی خاصی وجود دارد که بایستی به آن توجه شود.

۲- مرحله‌ی آماده‌سازی جهت مصرف نیز موارد ایمنی خود را دارد که تولیدکنندگان غذا لازم است به آن‌ها رعایت کنند.

۳- مرحله‌ی توزیع بین خریداران که اگر به ایمنی نگهداری، طرق پخش و توزیع آن دقت نشود؛ نمی‌توان غذا را ایمن دانست.

لازم به یادآوری است که برخی از کشورها در راستای کنترل مراحل ذکرشده به استانداردهای ایمنی غذا متوسل می‌شوند (ANZAF: Australia). لذا از نظر نگارنده ایمنی غذایی عبارت است از تأمین غذایی سالم و عرضه آن به مصرف‌کنندگان می‌باشد.

به هر حال، در هر سه مرحله‌ی فوق‌الذکر از نظر تخریب مواد غذایی خطراتی

1 - Nestle

وجود دارد که در نتیجه‌ی آن غذا ناایمن می‌شود و تولیدکننده می‌تواند با ضرر و زیان‌های نجومی مواجه شود. بنابراین، کسانی که در این عرصه فعالیت می‌کنند ممکن است با یک سهل‌انگاری سرمایه‌ی خود را از دست بدهند. با این وصف، اگر انگیزه‌ی فعالیت‌های اقتصادی سود باشد، تضمین آن برای این قبیل افراد به هر بهایی ناگزیر است. چنانچه در ایالات متحده آمریکا تولیدکنندگان گوشت با توسل به دو شیوه، جلوی طرح‌های جدید ایمنی مواد گوشتی را می‌گیرند که یکی از آن‌ها اعمال نفوذ بر روند قانون‌گذاری است و دیگری با استفاده از گریزهای نهادی از قوانین نهادی می‌باشد (Johnson, 2014) که هر دو از طریق علم جامعه‌شناسی سیاسی قابل تحلیل است.

حال می‌توان با یادآوری پرسش این نوشتار مبنی بر اینکه چه عواملی باعث می‌شود حکومت‌ها در خصوص ایمنی غذایی چندان جدی نباشند، با این فرضیه که قوانین و مقررات صنایع غذایی و ایمنی آن تحت تأثیر عوامل نفوذی شکل می‌گیرند، بحث را دنبال می‌کنیم. ولی قبل از پرداختن به تحلیل فرضیه، شناخت چارچوب نظری که در علم جامعه‌شناسی سیاسی مورد نظر است؛ ضروری می‌باشد.

چارچوب نظری

جامعه‌شناسی سیاسی در تلاش است که نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری سیاست‌ها را بررسی کند و به این سؤال پاسخ یابد که نیروهای اجتماعی به چه طریقی سیاست‌های حاکمیت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند؟ در مقابل سؤال مطرح‌شده، سه پاسخ عمده از سوی نظریه‌پردازان مطرح شده است که هر سه به نوعی چگونگی پیوند

قدرت سیاسی با این قبیل نیروهای اجتماعی را تبیین نموده‌اند و این نظریه‌ها عبارت‌اند از پیوند شخصی، پیوند ساختاری و پیوند سیاسی که اولی معتقد است، قدرت سیاسی همان افرادی هستند که اعمال حاکمیت می‌کنند و بین طبقه حاکم^۱ و طبقه مسلط^۲ تفکیک قائل نیستند. دومی، پیوند را در ساختار جستجو می‌کند. از این رو، جایگاه نیروهای اجتماعی و رابطه آن‌ها را ساختار تعریف نموده است که در واقع، به جبر تاریخی ساختارگرایی دچار شده‌اند و سومی به نظریه استقلال نسبی دولت^۳ معروف است که بر این باور تأکید دارد که نیروهای اجتماعی به تناسب قدرتشان می‌توانند سیاست‌گذاری‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهند (Leland, 1999: 164-171) که نتایج کلی مطالعات علم جامعه‌شناسی سیاسی بیانگر این واقعیت است که در فرآیند قانون‌گذاری، گروه‌های ذی‌نفعی وجود دارد که طبق نظریه استقلال نسبی دولت به فراخور قدرتشان سیاست‌گذاری‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (Orum, 1989: 37-8) که این روند در نظام‌های سیاسی اقتدارگرا از طریق قدرت بوروکراسی و نیروهای امنیتی و در نظام‌های دموکراتیک بیشتر به وسیله‌ی لابی^۴ صورت می‌گیرد. حال می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا ایمنی غذایی می‌تواند به عنوان موضوعی برای جامعه‌شناسی سیاسی باشد؟ در پاسخ باید گفت که اگر چه تا سال‌های ۱۹۸۰ ایمنی غذایی چندان مورد توجه رسانه‌ها و حوزه‌های علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی سیاسی نبود ولی با بروز مسایل سلامتی عمومی موضوع روزبه‌روز اهمیت می‌یابد و بدین‌سان اگر جامعه‌شناسی سیاسی مارکس، محوریت مباحث خود

1 - Ruling Class

2 - Hegemony Class

3 - The Relative Autonomy State

4 - Lobby

را درحول وحوش نفوذ سرمایه‌داران در روند سیاست گذاری متمرکز کند (Jessop, 2008: 32-33) تردیدی نیست که با پیدایش شرکت‌های عظیم صنعت غذا، صاحبان آن‌ها نیز می‌توانند روند یادشده را کنترل نمایند. از این رو بعد از این، ایمنی غذایی از زمینه‌های نوین جامعه‌شناسی سیاسی خواهد بود. ضمناً اگر چنانچه صاحبان نفوذ در روند قانون گذاری به انحصاری توفیقی حاصل نکنند؛ در مرحله اجرا می‌توانند آن را با توسل به شیوه‌های خاص خنثی نمایند که به آن «گزینه‌های نهادی از قوانین نهادی» می‌گویند که ارتشاء و تهدید مقامات از نمودهای بارز آن است. بنابراین، اگر قرار است که ایمنی غذایی از سوی حکومت‌ها تأمین شود؛ تردیدی نیست که آن، هم در مرحله سیاست‌گذاری و هم در فرآیند اجرا تحت نفوذ نیروهای قید شده قرار خواهد گرفت. اگر چه در نظریه‌های نایمنی غذایی که تا به امروز مطرح شده است؛ نقش جامعه‌شناسی سیاسی چندان مورد توجه قرار نگرفته است: چراکه در خصوص نایمنی غذایی تا به امروز دو نظریه کلان وجود دارد که یکی از آن‌ها نایمنی غذا را ما حاصل عدم وجود قوانین کارآمد می‌بیند و دیگری آن را مختص مرحله رشد اقتصادی قلمداد می‌کند که به نظر نگارنده، آن دو نظریه لااقل در دو کشور مورد مطالعه نافذ نیست (Fang, Op.Cit.PP. 13-30): زیرا امریکا هم از قوانین موثر برخوردار است و هم مرحله‌ی رشد اقتصادی را پشت سر گذاشته است. لذا بحث را با بررسی وضعیت ایمنی غذایی در دو کشور اقتدارگرای چین و آمریکای دموکراتیک با توجه به فرضیه ذکرشده پی می‌گیریم.

جمهوری خلق چین

جمهوری خلق چین یکی از کشورهایی است که با نظام اقتدارگرایی تمامیت‌خواه

اداره می‌شود که از لحاظ ایمنی غذایی چندان موقعیت مطلوبی در جهان ندارد. پژوهش‌های موجود در حوزه‌های ایمنی غذایی چین، تداعی‌کننده‌ی بی‌تفاوتی مقامات در خصوص ایمنی غذایی می‌باشد که امروزه استثنای آن صرفاً در خصوص صادرات مواد غذایی به کشورهای اعضای سازمان تجارت جهانی است. رویداد معروف رسوایی شیر ملامینه، استفاده از گوشت حیوانات خانگی و ده‌ها موارد دیگر توانسته این کشور را در رده کشورهای نایمنی غذایی قرار دهد. در فاجعه شیر ملامینه، سیصد هزار نفر سلامتی خود را از دست دادند و برخی از کودکان جان باختند و تعدادی نیز با سنگ کلیه شدید مواجه شدند. لازم به یادآوری است که ملامین یک فرمالید شیمیایی از گروآلدهیدها است که از آن در صنایع لاستیک و پلاستیک سازی استفاده می‌شود و کاربرد آن در صنعت غذایی در جهان ممنوع است. کارشناسانی که در خصوص علت‌یابی معضل نایمنی غذایی در چین بررسی نموده‌اند؛ بیشتر بر روی عدم قوانین سر سخت تأکید می‌ورزند که تا حدودی آن ادعا مورد قبول است. مرور مختصر در تاریخ قوانین چین در قبال تنظیمات ایمنی غذایی شاید بتواند صحت و سقم این چنین ادعایی را روشن سازد. اولین اقدامات قانونی در عرصه‌ی مواد غذایی در اواخر حکومت خاندان چینگ^۱ اتفاق افتاد که بر اساس آن یک بوروکراسی بهداشت عمومی، مسئولیت ایمنی غذایی را به عهده گرفت. بین سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۱۱ یعنی در دوره جمهوری و وزارت بهداشت، مسئول ایمنی غذایی گردید و بعد از حاکمیت جمهوری خلق چین کماکان در عرصه ایمنی غذا نهاد صالح، وزارت بهداشت بود. بنابراین، ایمنی غذایی از طریق مقامات اجرایی حل و

1 - Qing Dynasty

فصل می‌شد (Burns, 2007: 1-40). تا این که اولین قانون ایمنی غذایی در سال ۱۹۶۵ وضع گردید که مربوط به بهداشت رستوران‌ها و آب آشامیدنی بود (Feng, Op.Cite, P.4). ولی با کمی تأمل می‌توان اذعان داشت که وجود قوانین اگرچه می‌تواند خلأ قانونی را پر کند اما هرگز نمی‌تواند جلوی گریزهای نهادی از قوانین نهادی را بگیرد. از این رو، عدم مقررات را نباید چندان در عرصه‌های ایمنی جدی گرفت: چنانچه دو شهر پکن و هنگ‌کنگ هر دو از شهرهای چین هستند و فقط به لحاظ اعمال سیاست‌های متفاوت ایمنی غذایی آن دو باهم قابل مقایسه نمی‌باشند که تحلیل گران علل آن را در خصوصیات ذیل جستجو می‌کنند (Burns, 2007, Loc. Cit):

۱- پکن از طریق تمرکزگرایی در مقابل هنگ‌کنگ با عدم تمرکزگرایی اداره می‌شوند.

۲- جامعه مدنی در پکن ضعیف است؛ ضمناً «مردم نهاد» نیست برعکس «دولت نهاد» است. از این رو اختیارات آن‌ها را دولت تعریف و تعیین می‌کند؛ در مقابل، در هنگ‌کنگ جامعه مدنی قوی، فعال و «مردم نهاد» است.

۳- در پکن تولید و توزیع هنوز هم در سلطه دولت است؛ در مقابل، در هنگ‌کنگ بخش خصوصی به عرصه تولید و توزیع حاکم است.

قدرت سیاسی در پکن از طریق «دفتر سیاسی»^۱ تعریف و تعیین می‌شود؛ در مقابل، در هنگ‌کنگ قدرت سیاسی از سوی مردم با توسل به انتخابات تعریف و تعیین می‌شود.

1 - Politburo

۴- در پکن آزادی‌های مدنی محدود و قوه قضاییه وابسته به دولت عمل می‌کند؛ در مقابل، در هنگ‌کنگ آزادی‌های مدنی گسترده و قوه قضاییه مستقل از دولت عمل می‌کند.

۵- پکن تحت حاکمیت انحصاری است در مقابل، هنگ‌کنگ از کثرت‌گرایی برخوردار است.

لذا می‌توان از مقایسه فوق‌الذکر چنین برداشت کرد که فراتر از قانون، ساختار اجتماعی و سیاسی نیز در ایمنی غذایی موثر است. در ضمن با ورود یک کشور به بازار جهانی مواد غذایی، تضمین ایمنی غذایی نیز افزایش می‌یابد. چنانچه بعد از عضویت کشور چین در سازمان تجارت جهانی که در سال ۲۰۰۲ اتفاق افتاد؛ قوانین در چین بر اساس استانداردهای بین‌المللی بازنگری شد. بال زانو^۱ در وضع مقررات جدید در چین عوامل زیر را دخیل می‌بیند (Balzano, 2012:23-79):

- ۱- افزایش حجم مصرف‌کننده مواد غذایی چین در خارج از کشور.
- ۲- قرارداد نوسازی چین در خصوص ایمنی غذایی با ایالات متحده آمریکا.
- ۳- درخواست افزایش واردات مواد غذایی به چین و الزامات آن.
- ۴- بررسی ایمنی غذایی وارداتی از خارج از کشور.
- ۵- الزام کسب معجز ایمنی غذایی از سازمان غذا و داروی ایالات متحده آمریکا جهت صادرات مواد غذایی به این کشور.

شایان توجه است که چین بعد از سال ۲۰۰۸، سومین مقام کشور صادرکننده مواد

1 - Balzno

غذایی در جهان شد؛ اگرچه این کشور در داخل با محدودیت‌های مواد اولیه غذایی مواجه است ولی توانست با واردات محصولات آبرزی آمریکا و به‌کارگیری آن در صنایع غذایی مقام کسب‌شده را حفظ نماید. بنابراین، همه‌ی فعالیت‌های کشور مزبور به خاطر حفظ موقعیت خود در صادرات مواد غذایی است. لذا مصرف‌کننده داخلی هنوز هم از عدم ایمنی غذایی آشفتگی است؛ چراکه تولید و توزیع‌کنندگان مواد غذایی استانداردهای جهانی را که در صادرات اعمال می‌کنند به هیچ وجه آن را در خصوص مصرف‌کنندگان داخلی رعایت نمی‌کنند (Burns, Op.Cit. P.1-40) که علت آن را صرفاً با توسل به جامعه‌شناسی سیاسی می‌توان تحلیل کرد.

با توجه به موارد فوق‌الشاره جهت تحلیل وضعیت موجود می‌طلبد که نخست ماهیت رژیم حاکم بر چین مورد شناسایی قرار گیرد. بنابراین، اگر اقتدارگرایی به سبکی از حکومت‌ها گفته شود که در آن یک فرد و یا عده‌ی معدودی بر اساس تمایلات شخصی یا گروهی و یا اینکه بر مبنای یک ایدئولوژی بر سرنوشت آحاد جامعه حاکم شوند؛ آن وقت می‌توان، چین را در بین کشورهای اقتدارگرای تمامیت‌خواه قرار داد (Hagopian, 1984: 118)؛ زیرا در این کشور گروهی به نام دفتر سیاسی^۱ حاکمیت را در اختیار دارد. با این وصف، استراتژی بقا^۲ اقتضا می‌کند که همگی نیروهای سازمان‌ها و نهادها از سوی همین دفترگزینش شوند (Ezrow, 2011, Passim). حتی بخشی از اساتید دانشگاه‌ها نیز از طرف این دفتر عزل و نصب می‌شوند که در جدول شماره (۲) تعداد آن‌ها مشخص شده است:

1 - Poitburo

2 - Survival Strategy

جدول ۲: اساتیدی که از سوی دفتر سیاسی عزل و نصب می‌شوند

۱۴ مدرس	دانشکده علوم اجتماعی چین
۶ مدرس	مرکز تحقیقات توسعه‌ی شورای دولت
۶ مدرس	دانشگاه رن مان
۶ مدرس	دانشگاه علوم نظامی
۵ مدرس	مدرسه‌ی عالی حزب مرکز
۴ مدرس	مدرسه‌ی تحقیقات اقتصاد کلان توسعه‌ی ملی و کمیون اصلاحات
۴ مدرس	دانشگاه پکن
۳ مدرس	دانشگاه ت‌سینگوا
۳ مدرس	دانشگاه علوم چین

Source: Yiyi, Lu, 2007, The Collective Study Sessions of the Politburo: A Multipurpose Tool of Chinas Central Leadership, Briefing Series-Issue 27, *The University of Nottingham, China Policy Institute*, P.5.

از این گذشته، بخش‌های سودآور اقتصادی از جمله صنایع غذایی عمدتاً یا دولتی هستند و یا در اختیار وابستگان رژیم قرار می‌گیرد و همین نهاد تشخیص می‌دهد که چه گروه‌هایی و یا چه کسانی صالح هستند تولیدکننده و یا توزیع‌کننده باشند. بنابراین تخلفات این‌ها تا آنجایی که به رژیم آسیب نرساند؛ قابل اغماض است (Yiyi, 2007: 1-13). چنانچه در جریان شیر ملامینه حاکمیت زمانی دست به کار شد که تظاهرکنندگان میلیونی دولت را با چالش مواجه ساختند که نتیجه‌ی آن مجازات شدید مسببان حادثه مزبور شد (The Associated Press, 2009).

لذا روند قانون‌گذاری و اجرا به لحاظ اینکه در کنترل گروه یاد شده است، از این رو هر اتفاقی که در عرصه ایمنی غذایی رخ می‌دهد؛ در تحلیل نهایی مسبب اصلی، گروهی که خود را دفتر سیاسی می‌نامد؛ است. تأمل در کادر دفتر سیاسی تداعی‌کننده این ذهنیت است که آن‌ها با تمام کنترل‌های گزینشی، با انگیزه‌های متفاوت در آنجا خدمت می‌کنند که در برخی از آن‌ها بقای رژیم و در بعضی از آن‌ها انگیزه‌های منافع شخصی در اولویت است. این گروه دوم رابطه‌ی خود را با بخش صنعت غذا بر اساس منافع شخصی برقرار می‌کنند و به تبع آن می‌توانند در قبال افراد متخلف روش سازش‌کارانه اتخاذ کنند و گروه دوم که جهت بقای رژیم تلاش می‌کنند با افراد خلاف‌کار شدیداً مقابله می‌نمایند و در مواردی آن‌ها را با پیگرد قانونی مواجه می‌سازند که در حادثه دوم شیر کودکان که از طریق مواد شیمیایی مضر تهیه می‌شد که در نتیجه آن پنجاه هزار نفر آسیب دیدند و برخی از آن‌ها جان باختند با تلاش افراد وفادار دفتر سیاسی کشف شد و در نتیجه‌ی آن بالاترین مقام کنترل کیفیت مواد غذایی به استعفا مجبور گردید (Barboza, 2008). با این حال، موانع دیگری بر سر راه غلبه بر نایمنی غذایی وجود دارد که تأمل در آن‌ها حاکی از ساختار نظام سیاسی دارد که می‌توان آن‌ها را با رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی تحلیل کرد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از (EROUbiz):

- ۱- موانع حقوقی در خصوص استفاده از زمین: به لحاظ نظام سوسیالیستی تولیدکنندگان مواد اولیه‌ی غذایی دلگرمی مالکانه به زمین ندارند و تقلب را یگانه وسیله‌ای دستیابی به ثروت می‌بینند.
- ۲- غفلت از محیط‌زیست که نتایج آن آلودگی آب، خاک، هوا و... است. این هم

از نگرانی‌های دفتر سیاسی نشأت می‌یابد؛ چون به نظر نگارنده، اگر حفاظت از محیط‌زیست را در اختیار گروه‌های «مردم نهاد» بگذارد؛ امکان بسط سرمایه اجتماعی بیشتر است که آن را رژیم‌های اقتدارگرا بر نمی‌تابند.

۳- تضاد منافع بین مقامات مرکزی و محلی: زیرا مرکز به بقا و محل به سود اولویت می‌دهد.

۴- بین مسئولیت اجتماعی مدیران و سود صاحبان صنعت غذا به لحاظ اخلاق سوسیالیستی ناسازگاری وجود دارد و در نتیجه مدیریت راه چاره را در همکاری با خلاف کاران می‌یابد.

۵- محدودیت قانونی برای شرکت‌های خارجی مانع پیدایش رقابت می‌شود که این هم از ویژگی‌های نظام سیاسی سرچشمه می‌گیرد.

بنابراین، جا دارد که از جامعه‌شناسی سیاسی مارکس خرده گرفت که نه تنها روند قانون‌گذاری در نظام‌های سرمایه‌داری تحت نفوذ لابی‌ها به نفع سرمایه‌داران جهت می‌یابد؛ در ضمن در نظام‌های تام‌گرا نیز به وسیله بروکراسی پر نفوذ در جهت منافع وابستگان رژیم رقم می‌خورد. فراتر از این، در چین گریزهای نهادی از قوانین نهادی که یکی از نمودهای آن رشوه هست؛ به اندازه ای گسترده است که دولت به ناچار در ۲۰۱۳ علاوه بر یک رشته اقدامات عملی در راستای مبارزه با رشوه‌خواری، به بسیج مردمی در شهرهای بزرگ نظیر پکن، شانگهای، تیانچین، ژجیانگ، گواندونگ و سیچون متوسل شد و مبارزاتی علیه شرکت‌های خلاف کار به راه انداخت و لیست سیاه آن‌ها را در اختیار مردم قرار داد تا تولیدات آن‌ها را مصرف نکنند (Law 369, 2014).

در سطور بالا ایمنی غذایی یک کشور اقتدارگرا مورد بررسی قرار گرفت و علاوه بر این در یک مقایسه مجمل بین شهر پکن و هنگ‌کنگ این ذهنیت مطرح شد که در نظام‌های مبتنی بر عدم تمرکز قدرت و دموکراتیک ایمنی غذایی بهتر اعمال می‌شود. فقط شایان توجه است که این چنین نگرش عمدتاً نسبی است؛ چون تردیدی نیست که ایمنی غذایی در آمریکا از چین و روسیه بیشتر است: فقط در کشور مزبور نیز نایمنی غذایی در اشکال متفاوت مشهود است که در ذیل جوانبی از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

ایالات متحده آمریکا

در کشور آمریکا رسوایی‌های غذایی چندان مشاهده نشده است و استثنای آن در یک شعبه رستوران‌های بین‌المللی آمریکای یام یام در شانگهای روی داده است که در آن بنا به گزارش‌های مقامات چینی گویا در تهیه مرغ سرخ‌شده، کنتاکی و پیتزا از گوشت فاسد و یا گوشتی که تاریخ مصرف آن گذشته بود؛ استفاده می‌کردند (Economy, 2014). ولی این بدین معنا نیست که در آمریکا ایمنی غذایی از هر جنبه رعایت می‌شود. اشلی^۱ در مقاله‌ای بر این نکته اشاره می‌کند که اگر اساسی‌ترین ویژگی اعتیاد به مواد مخدر این باشد که مصرف‌کننده میزان آن را روزبه‌روز افزایش دهد، همین خصوصیات برای مواد غذایی عصر حاضر نیز نافذ است؛ چون مواد غذایی مدرن این پتانسیل را دارد که به آن معتاد شویم و با یک روند فزاینده اشتهاى بیشتری برای خوردن غذا پیدا کنیم که عواقب آن برای سلامتی انسان فاجعه است (Ashley,)

1 - Ashley

کلی^۱ نیز در یک قیاس مع الفارق اذعان می‌کند که اگرچه مواد غذایی از تولیدات دخانیات متفاوت است اما شباهت‌های آن دو از نظر تهدید سلامتی انسان چندان متفاوت نیست؛ چون محصولاتی که شرکت‌های تولیدی غذا به مردم عرضه می‌کنند اثر منفی آن در سلامتی انسان کمتر از دخانیات نیست (Kelly D, 2009: 259-294). با این وصف ایمنی غذایی در کشورهای پیشرفته نظیر ایالات متحده آمریکا از طریق وفور امکانات غذایی تهدید می‌شود؛ چرا که پر خوری و اعتیاد به آن موجب می‌شود که کنترل تغذیه از دست انسان خارج شود که در آن نقش پالایش مواد اولیه غذایی از طریق صنایع غذایی قابل انکار نیست؛ زیرا در تولید غذا از غلظت بالای شکر و دیگر شیرین‌کنندگان تصفیه‌شده، کربو هیدرات‌هایی که سبوس آن گرفته شده است بیشتر به کار می‌گیرند و همین طور از چربی، نمک، کافئین و مواد اعتیادآوری که بتواند هم اشتها آور باشد وهم اعتیادآور که همگی این‌ها غذا را ناایمن می‌سازند (Ifland, 2009, PP.518-526).

با توجه به موارد فوق الذکر، در آمریکا ایمنی غذایی ابعاد دیگری یافته است که صاحبان صنعت غذا در تلاش هستند که جلوی آن دسته از قوانینی را بگیرند که در صدد هستند؛ طرح‌های ایمنی جدیدی داشته باشند که جهت تشریح آن بحث را با بررسی تاریخ تحولات قوانین ایمنی غذایی در کشور مذکور دنبال می‌نمائیم.

ایالات متحده آمریکا از سال ۱۸۲۰ به این سو با فاصله‌های کوتاهی صدها قانون در خصوص ایمنی غذایی وضع کرده که اولین قانون آن در سال ۱۸۶۲ بود و آخرین آن در ۲۰۱۳ وضع گردید (About FDA, 2014). در سال ۱۸۶۵ اولین اقدامات عملی از

1 - Kelly

سوی رییس جمهور وقت یعنی آبراهام لینکلن^۱ صورت گرفت. وی یک شیمیدان را به مسئولیت دارو، غذا و سلف سرویس‌ها در بنیه وزارت کشاورزی منسوب کرد؛ در همان سال، اسحاق نیوتن^۲ که وزیر کشاورزی بود از کنگره خواست که قوانینی در جهت قرنطینه کردن حیوانات وارداتی وضع کنند که کنگره آن را پذیرفت اما اداره آن را به وزارت خزانه داری سپرد و بعدها با فواصل کوتاهی، پیوسته مقرراتی در مورد ایمنی غذایی مطرح می‌شد. قانون سال ۱۸۸۰ در خصوص ایجاد نهاد ملی غذا و دارو بود که متعاقب آن یعنی در سال ۱۸۸۳، شخصی به نام هاروی دابلیو ویلی^۳ اقدام به تاسیس دفتر مطالعات شیمیایی مواد غذایی تقلبی^۴ نمود که بعد ها با لقب مبارز شیمی^۵ از وی یاد خواهد شد که به لحاظ کنترل مواد غذایی از باب موارد شیمیایی تلاش می‌کرد. به هر حال، در امریکا از سال ۱۸۶۲ تا ۲۰۱۰ مقررات جدید در مورد ایمنی غذایی اعمال شده است که نتایج آن این است که امروزه در جهان، امن ترین کشور در خصوص ایمنی غذایی شناخته شده است (Ibid). این در حالی است که در آمریکا به قول جانسون^۶ قدرت‌های حاکم بر صنعت غذا به همین راحتی طرح های ایمنی غذایی را نمی پذیرند و با ان به انحایی مقابله می نمایند (Johnson, Op.Cit). به عنوان مثال، سه نهاد عمده نظیر نهاد گوشت^۷، انجمن ملی گوشت^۸ و انجمن ملی بوفالو^۹ که از سوی تولیدکنندگان گوشت ایجاد شده است؛ از طریق اعمال نفوذ به قانون گذاران

1 - Abraham Lincoln

2 - Isaac Newton

3 - Harvey W. Wiley

4 - Bureau of Chemistry Food Adulteration

5 - Crusading Chemist

6 - Johnson

7 - Meat Institute

8 - The National Meat Association

9 - The National Cattlemen's Beef Association

و مقامات ذیربط در مقابل طرح‌های جدید ایمنی گوشت موضع‌گیری می‌کنند. آن‌ها صدای قوی دارند و می‌توانند سیاست‌گذاری‌ها را تحت الشعاع قرار دهند. نامبرده اذعان می‌کند که صنایع گوشت در آمریکا یک قدرت سیاسی است و می‌تواند دو مجلس سنا و کنگره را تحت نفوذ خود قرار دهد (Ibid).

علاوه بر این داده‌های سال ۲۰۱۴ که از دفتر مجلس سنای آمریکا تهیه شده است؛ نشان می‌دهد که ۵۷ بخش صنعتی در عرصه تولید مواد غذایی و نوشابه در سال یاد شده جمعا ۳۱۴ بار به لابی متوسل شدند که تا نمایندگان سنا را متقاعد سازند که لایحه‌های مطرح شده در کنگره که با منافع تولیدکنندگان ذکر شده تعارض دارند «وتو» نمایند و به همین عمل ۲۳۵۵۵۷۵ دلار به نمایندگان رشوه پرداخت نموده‌اند که درشت‌ترین رقم متعلق به شرکت «کوکا کولا» و کمترین آن به شرکت اسکینونیک کروب^۱ بود که در جدول شماره (۳) بر اساس مقدار پرداختی به آوردن نام پانزده شرکت بسنده شده است:

جدول ۳: مقدار مبالغ پرداختی به اعضای مجلس سنا از سوی شرکت‌های مواد غذایی و نوشابه

نام شرکت تولیدکننده‌ی مواد غذایی و نوشابه	مبلغ پرداختی به مجلس سنا
کوکا کولا	۷/۱۰۰/۰۰۰
پپسی کولا	۲/۶۴۰/۰۰۰
اتحادیه رستوران‌های ملی	۱/۸۳۴/۲۲۰
شرکت مک دونالد	۱/۵۹۰/۰۰۰

1 - SKyonic corp

مبلغ پرداختی به مجلس سنا	نام شرکت تولید کننده‌ی مواد غذایی ونوشابه
۱/۳۵۰/۰۰۰	اتحاد مارس
۸۹۰/۰۰۰	اتحادیه نوشابه آمریکا
۸۸۰/۰۰۰	رستوران‌های زنجیره‌ی داردن
۸۲۰/۰۰۰	کمپانی هرشی
۵۹۰/۰۰۰	دانکین براند
۴۸۲/۴۲۱	اتحاد بین‌المللی توزیع و...
۴۵۶/۰۰۰	یوم براند
۴۵۰/۰۰۰	شرکت نوشابه سازی مانستر انرژی
۳۴۰/۰۰۰	کمپانی شمالی دیلور
۳۴۰/۰۰۰	اتحادیه استارباکس
۳۲/۰۰۰	استارکیست

Source: Lobby in spend in database: Food and Beverage, available: <https://www.openccrets.org/lobby/indusclinet.php?id=1101>

به هر حال رشوه خواری در عرصه غذا به اندازه ای رایج شده است که در سال ۱۹۹۹ کنوانسیون در بین کشورهای OECD، امضاء شده است که تا به گونه‌ی دسته جمعی با آن مقابله شود و به همین لحاظ در قوانین کیفری کشورهای مزبور بازنگری شد که در نتیجه آن میزان حبس رشوه‌خواری از پنج سال به چهارده سال افزایش یافت (Boucher, 2014: 1-4).

حال اگر بپذیریم که در شکل‌گیری سیاست‌های ایمنی غذایی صاحبان صنعت غذا نقش تعیین‌کننده دارند، آن وقت هر اتفاقی که در حوزه‌ی ایمنی غذایی روی دهد، بایستی آن را از طریق ینش سیاسی تعبیر و تفسیر کرد. به هر حال صنعت غذا با یک روند فزاینده‌ی رشد می‌کند. رستوران‌های معروف آمریکا نظیر مک دونالد، یام یام یام^۱ و ده‌ها کمپانی صنعت غذا دامنه‌ی فعالیت‌های خود را به جهان بسط می‌دهند. از این گذشته، تغذیه در مدارس نهادینه شده و موجب تراکم سرمایه‌های کلان در عرصه‌ی صنعت غذا گشته است که برخی از آن‌ها از سودهای سرشار بر خوردار هستند. در جدول شماره (۴) درآمدهای کمپانی‌های بخش خصوصی صنعت غذا در آمریکا که در سال ۲۰۱۴ تا سقف بالای ده میلیارد دلار درآمد دارند آورده شده است.

جدول ۴: میزان درآمدهای بخش خصوصی صنعت غذا در آمریکا

نام کمپانی	درآمد به دلار آمریکایی
۱- کارگیل ^۲	۱۳۴/۹۰ میلیارد دلار
۲- مارس ^۳	۳۳/۰۰ میلیارد دلار
۳- پابلیک سوپرمارکت ^۴	۲۸/۹۲ میلیارد دلار
۴- فود مارکت ^۵	۲۵/۰۰ میلیارد دلار
۵- یواس فود ^۶	۲۲/۲ میلیارد دلار
۶- پرفورمنس فود گروپ ^۷	۱۳/۸ میلیارد دلار

Source: Forbes, 2014, *America's Largest Private Companies*, at: www.forbes.com/largest-private-companies/

- 1 - Yum Yum Yum
 2 - Cargil
 3 - Mars
 4 - Public Super Market
 5 - Food Market
 6 - U.S. Food
 7 - Performance Food Group

لذا این ارقام نجومی می‌طلبند؛ سیاست‌گذاران توجه خاصی به این بخش داشته باشند. چنانچه نستل^۱ اذعان می‌کند که اگر صنایع اسلحه‌سازی و یا دخانیات به تنظیمات سیاسی نیاز دارند صنعت غذا نیز به همان اندازه به سیاست‌گذاری‌ها و کنترل محتاج می‌باشد (Nestle, Op.Cit.). از این رو، خیلی از قوانین و مقررات در جهت ایمن‌سازی غذا با حساسیت تمام و علی‌رغم «لابی» می‌توانند وضع شوند. لذا بعد از این است که صاحبان صنعت غذا به طرق «گريزهای نهادی از قوانین نهادی» که یکی از شیوه‌های معمول آن، رشوه است؛ جلوی نفوذ قانون را می‌گیرند. در حادثه‌ی گوجه‌فرنگی‌های آلوده در آمریکا فرد خلاف کار به دادن رشوه متوسل شده بود (Neuman, 2010). استفاده از رشوه در صنعت ماهی‌گیری و ده‌ها مورد دیگر از مصداق‌های بارز گريزهای قید شده است که بهای آن‌ها را مردم با سلامتی خود می‌پردازند (Kochan R.Nick, 2011: 124). مایک آدام^۲ یک تکاور بهداشت آمریکایی پا را فراتر می‌گذارد و در خصوص ایمنی غذایی سه گروه را مسئول می‌بیند که یکی از آن‌ها بخش کشاورزی ایالات متحده آمریکا^۳، دیگری اداره‌ی غذا و دارو^۴، سومی نیز صاحبان صنعت غذا هستند (Adams, mike, 2004). وی ادعا می‌کند که آن‌ها با هم تبانی دارند که هرگز خلاف منافع یکدیگر عمل نکنند و این تبانی حاصل رقم‌های درشتی به عنوان رشوه است که از سوی کارخانجات در اختیار مقامات صالح نهادها می‌گردد. مایک اضافه می‌کند که ایمنی ترکیبات پیچیده‌ی مواد غذایی و آشامیدنی‌ها از طرف این نهادها تعریف و تعیین می‌شود و مردم عادی به هیچ وجه

1 - Nestle

2 - Mike Adams

3 - USDA: United States Department of Agriculture

4 - FDA: Food and Drug Administration

نمی‌توانند؛ سرطان زا بودن «نیتریت سدیم» را در مواد غذایی بدانند و یا وجود آن را به سادگی در داخل غذا مشاهده کنند. تکاور بهداشت تأکید می‌کند که امروزه مواد غذایی در چرخه مصرف به وسیله‌ی روغن‌های هیدروژنه، شربت ذرت با فروکتوز بالا و اسپارتام که استفاده آن در صنعت غذا ممنوع است؛ تهیه می‌شود که حاصل آن سرطان، دیابت و آسیب‌های مغزی است. مایک با این جمله که «اگر مریض نشوید؛ دارو نمی‌خرید»^۱ تبانی چندجانبه سازمان‌های مزبور با کارخانجات غذا و دارو را خلاصه می‌نماید (Ibid) و بدین ترتیب، ادعای داگلاس مواضع تکاور بهداشتی را در اذهان تقویت می‌کند که می‌نویسد؛ اداره‌ی بهبود دارو^۲ فقط پنج الی ۲۰ درصد داروی تولید شده را می‌تواند کنترل بکند و مابقی بدون ثبت وارد بازار مصرف می‌شود (Douglas, 2014: 25-51). البته این بدین معنا نیست که اقداماتی در جهت کنترل رشوه صورت نمی‌گیرد و همگی نیروهای FDA، آلوده به فساد و رشوه خواری هستند، مواردی است که اداره مذکور توانسته با خلاف کاران بر خورد جدی داشته باشد که نمونه بارز آن در خصوص ۳۸ نفر از کارکنان دارو بود که به جرم دریافت رشوه پیگرد قانونی شدند (Nordenberg, 1997).

نتیجه

ایمنی غذایی رابطه‌ی مستقیم با منافع صاحبان صنعت غذا، تولید کننده‌ی مواد اولیه و یا توزیع کننده دارد و زمانی که آن‌ها مشکل ایمنی می‌یابند؛ به دور ریختن ده‌ها تن غذا و یا مواد اولیه برای ذی‌نفعان خیلی دشوار است و چه بسا با رعایت به جنبه‌های

1 - If People Sick, They Don't Need Drugs, Get it?

2 - DEA: Drug Enforcement Administration

ایمنی، حیات اقتصادی آن‌ها نیز پایان یابد و در غیر این صورت، سلامتی انسان‌ها به مخاطره خواهد افتاد که هیچ نقشی در کنترل آن ندارند. بنابراین، به نظر می‌رسد که با این اوصاف نمی‌توان در ایمن سازی غذا به مطلوبیت‌ها دست یافت، فقط می‌توان آن را به حداقل تقلیل داد. بدین شرح که اگر امروزه تنها نهادهای دولتی هستند که صنعت غذا را از نظر ایمنی کنترل می‌کنند و تحت شرایطی می‌توانند از اعمال خلافکاران چشم پوشی نمایند؛ آن وقت می‌طلبند که با صدور مجوزی به گروه‌های مردم نهاد، هم می‌توان ناظرین دولتی را و هم صاحبان صنعت غذا را تحت الشعاع قرار داد. چون نهاد های مردمی می‌توانند هزینه‌های نایمنی غذایی را برای افراد سودجو افزایش دهند.

منابع

- About FDA, 2014, “*Significant Dates in U.S. Food and Drug Law History*”, at: <http://www.fda.gov/AboutFDA/WhatWeDo/History/Milestones/ucm128305.htm>
- Adams, Mike, 2004, “*The U.S. Food Industry, FDA and USDA are Highly Corrupt to Protect Profits, not People*”, at, www.naturalnews.com.
- Agency France Press, February 25. 2013, “*Probe Lunched into German Organic Eggs*”.
- ANZAFSA: Australia, New Zealand Food Authority: “*Food Safety Standards*”: <https://www.victor.sa.gov.au/vebdata/resources/files/food-safety-standards-definitions1.pdf>
- Ashley N. Gerhardt, et.al., “2014, The Addiction Potential of Hyper palatable Foods” *Current Drug Abuse Reviews*, Volume 4. No.3, PP.140-145.
- Bolzano, John, 2012, “*Chinas Food Safety Law: Administrative Innovation and Institutional Design in Comparative Perspective*”, *Asian- Pacific Law & Policy Journal*, Vol. 13:2, PP.23-79.
- Barbosa, David, 2008, “*Chinas Top Food Quality Official Resigns*” at: www.nytime.com/2008/09/23/world/asia/23milk.html?pagewanted=print&-r=0.
- BBC News India, July 20, 2013, “*India School Lunch Deaths: High Pesticide*” at; <http://www.bbc.com/news/world-asia-23390972>.
- BBC News, Nov.19, 2013, “*Taiwan Food Scares Hit Shoppers Confidence*”, at: <http://www.bbc.com/news/business-24632674>.
- Boucher, Sandy, 2014, “*Corruption Risk in The Food and Beverage Industry: Ignorance is No Longer Bills*”, Canadian Food Chain Magazine.

- Burns P. Jhon, 2007, “The Impact OF regime Type on Public Policy: Food Safety in Beijing and Hong Conk, Mid, 1990 to 2006” at: *European Group of Public Administration, Referred Paper.*
- Crutchfield R. Stephen, 1995, Economic Issues Associated with Food Safety USDA Economic Research Service Publication.
- Douglas J. Behr, 2014, “Challenging an Immediate Suspension of DEA Registration: Is it Time for a New Tact?”, *Food and Drug Law Journal*, Vol.No.1, PP.25-51.
- Fang, Zhe, 2013, *Chines Food Safety: What We Eat in China: A Senior Honors Thesis*, Indiana University Bloomington.
- Food Safety News: “TOW Food Poisoning Incidents in India Sicken Hundreds”: *By News Desk: 11 April 2012*, at: www.foodsafetynews.com/2012/04/tow-food-poisoning-incidents-in-India-sicken-hundreds/#.VFLSRRble. MB
- Forbes, 2014, “America's Largest Private Companies”, at: www.forbes.com/largest-private-companies/
- EURObiz, 2014, “Food Safety in China: a Long Correction”, *Journal of European Union Chamber of Commerce in China*, at: <http://www.eurobiz.com.cn/food-safety-china-long-correction>.
- Economy, Elizabeth, 2014, “Yum, Yum, Yum: Another Food Safety Scandal Rocks Multinationals in China”, *Forbes Asia* /7/31/2014@5:22PM|2/486, at: www.forbes.com/sites/elizabeconomy/2014/07/31/yum-yum-yum-another-food-safety-scandal-multinationals-in-china.
- Ezrow, Natasha, 2011, *Dictators and Dictatorships: Understanding Authoritarian Regimes and Their Leaders*, Bloomsbury Academic.
- Hagopian, Mark N., 1984, *Regimes, Movements and Ideologies: A Comparative Introduction to Political Science*, 2nd ed, New York, Longman

- Hansgard J. and Burkit L., March 5.2013, “IKEA Stops Cake Sales After Bacteria Found”, *The Wall Street Journal*.
- Jessop, Bob, 2008, *State Theory: Putting The Capitalist State in its Place*, The Pennsylvania State University Press.
- Johnson, Steve, 2014, *The Politics of Meat: A Look at the Meat Industry s Influence on Capitol Hill*, at: Frontline, Modern Meat, at: www.phs.org/wgbh/pages/frontline/shows/meat/politics/
- *Kelly D. Brownell and Kenneth Warner, 2009, The Perils of Ignoring History: Big Tobacco Played Dirty and Millions Died. Milbank Quarterly, Vol. 87, No.1, PP.259-294.*
- *Kochan Nick, Goodyear, Robin, 2011, Corruption: The New Corporate Challenge, Amazon Kindle Publication.p.124.*
- *Law 360, 2014, China Anti- Bribery Rules Raise Questions For Life Sciences, www.law360.com,pdf-foxit reader.*
- *Leao M. and Renato S. Maluf, 2012, Effective Public Policies and Active Citizenship: Brazils Experience of Building a Food and Nutrition Security System, Abrandh and Oxfam Publishing.*
- Lobby in spend in database: “Food and Beverage”, available: <https://www.opencecrets.org/lobby/indusclinet.php?id=1101>
- *Leland L. Glenna, 1999, “The Relative-Autonomy State Theory and Emancipatory Strategies”, Rural Sociology, Vol, 64, No. 1, PP.164-171.*
- *Ifland J.R., et.al, 2009 “Defined Food Addiction: A Classic Substance Use Disorder”, Medical Hypotheses, Vol.27, No.5, PP.518-526.*
- *Nestle, Marion, 2010, Safe Food: The Politics of Food Safety, Berkeley; University of California Press.*
- *Neumann, William, February 24/2010, “Bribes Let Tomato Vendor*

Sell Tainted Food”, at: www.nytimes.com/2010/02/25/business/25tomatoes.html?page-wanted=all&r=0

- Nordberg, Tamar, 1997, “inside FDA: Barring People from Drug Industry”, at: <http://www.fda.gov/ICECI/EnforcementActions/FDADebarmentList/ucm139627.htm>
- Michael T. Robert, 2004, “Anatomy of the Governments Role in The Recall of Unsafe Food Products”, at: www.NationalAgLawCenter.Org.
- Michael, Martina, May 3. 2013, “China: Rat Meat Sold as Lamb in Latest Food Scandal” <http://www.scotsman.com/news/world/chinlatest-food-scandal-1-2919340>.
- Orum M. Anthony, 1989, *Introduction to Political Sociology: The Social Anatomy of The Body Politics*, Englewood Cliffs, N.J: Prentice Hall.
- Swindle, A; blinks'ky P. (2006). “Development of a Universally Applicable Household Food Insecurity Measurement Tool: Process, Current Status, and Outstanding Issues”. *The Journal of Nutrition* 136 (5):PP. 1449S–1452S.
- The Associated Press Tuesday, November 24, 2009, 5:33 AM, “China executes Zhang Jujun, Gong Japing for roles in deadly tainted milk powder scandal”, at: <http://www.nydailynews.com/news/world/china-executes-zhang-yujun-geng-jinping-roles-deadly-tainted-milk-powder-scandal-article-1.415167>.
- The Guardian, May 9, 2013, “Pork Found in School Halal Lamb Burgers”.
- The Guardian, February 15, 2013, “How The Horsemint Scandal Unfolded Timeline”.
- The local., Germany's News in English, Mars 9.2013, “Vegetable Wonder Finds Rat Poison in Lettuce”, at: <http://www.thelocal.de/20130309/48433>.

- Yiyi, Lu, 2007, “The Collective Study Sessions of the Politburo: A Multipurpose Tool of Chinas Central Leadership”, *Briefing Series-Issuse 27, The University of Nottingham, China Policy Institute*, PP.1-13.
- WHO: Food Safety, 2014, “The Five Keys to Safer Food Programme”, at: <http://www.who.int/foodsafety/consumer/5keys/en/>
- WHO; Food Security, at: www.who.int/trade/glossary_story028/en/
- WHO/FAO; 2010, “FAO/WHO Framework for Developing National food Safety and Zoonoses”, WHO, Publication.